

A Persian Translation of Sustainable Communities in an Integrating World

A statement presented to the Plenary of the Second UN Conference on Human Settlements
(Habitat II)

ISTANBUL, TURKEY—7 June 1996

ترجمه غیررسمی و غیر نهائی از

جوامع پایدار در جهانی رو به یکپارچگی^۱

بیانیه جامعه جهانی بهائی در دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد اسکان بشر

استانبول، ترکیه - ۷ ژوئن ۱۹۹۶

جوامعی که رشد می‌کنند و به رفاه می‌رسند جوامعی هستند که بُعد معنوی ماهیت انسان را تصدیق کرده و پرورش اخلاقی، عاطفی و فکری فرد را اولویتی محوری قرار می‌دهند. این متن توسط جامعه جهانی بهائی برای «دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد اسکان بشر (Habitat II)» که از سوم الی چهاردهم ماه ژوئن ۱۹۹۶ در استانبول، ترکیه برگزار شد تهیه شده و امکان ایجاد جوامعی که از لحاظ روحانی و مادی مرفه باشند را بررسی می‌کند.

با نزدیک شدن به قرن بیست و یکم دولت‌ها، سازمان‌ها و مردم جهت توسعه جوامعی که از نظر اجتماعی سرزنده، هماهنگ و مرفه باشند، نیروی زیادی صرف می‌کنند. «کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد اسکان بشر (Habitat II)» که برپایه سایر کنفرانس‌های بزرگ جهانی این دهه بنا استوار است مرحله مهمی در این تلاش‌ها به شمار می‌رود و نشان از پیشرفت‌های عمده در توسعه جامعه دارد.

تلاش‌های جامعه‌سازی اما در بلند مدت تنها در صورتی موفق خواهند شد که بتوانند میان پیشرفت مادی و آرمان‌های معنوی بنیادین ارتباط برقرار کنند، پاسخگوی بهم‌وابستگی فزاینده مردمان و ملت‌های زمین باشند و چارچوبی تاسیس کنند که درون آن همه مردم، شرکت‌کنندگانی فعال در اداره اجتماع‌های خود باشند.

^۱ترجمه نسخه ۱.۳.۱

توضیحات زیر به این سه عنصر بنیادینِ جوامع پایدار می‌پردازد:

ماهیت انسان در اساس روحانی است. بدین جهت، غیرممکن به نظر می‌رسد که جوامع بتوانند به رفاه و پایداری دست یابند مگر اینکه بعد روحانی واقعیت انسان را در نظر گیرند و درصدد رشد فرهنگی باشند که در آن پرورش اخلاقی، عاطفی و فکری فرد در اولویت قرار دارد. در چنین بستری است که فرد این امکان را می‌یابد تا به شهروندی فعال و خادم که به طرز سازنده‌ای برای سعادت مادی و معنوی جامعه تلاش می‌کند تبدیل شود و یک بینش و حس هدفمندی مشترک می‌تواند به طرز موثری توسعه یابد.

متتابعاً جوانب مادی توسعه جامعه از جمله سیاست‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی؛ نظام‌های تولید، توزیع، ارتباطات و حمل و نقل؛ و فرایندهای سیاسی، حقوقی و علمی باید بر اساس اصول و اولویت‌های روحانی هدایت شوند. اما امروز جوهر و جهت توسعه جامعه تا حد زیادی توسط ملاحظات مادی تعیین می‌شوند.

بنابراین چالش ما طراحی مجدد و توسعه جوامع مان پیرامون اصول جهان‌شمولی مانند عشق، صداقت، اعتدال، تواضع، خوش‌رویی، عدالت و وحدت است؛ اصولی که انسجام اجتماعی را ترویج می‌کنند و بدون آن‌ها هیچ جامعه‌ای هر قدر هم که از نظر اقتصادی مرفه، از نظر فکری با استعداد و یا از حیث فن‌آوری پیشرفته باشد نمی‌تواند در بلند مدت دوام بیاورد.

در حال حاضر مردمان و ملت‌های جهان با افزایش وابستگی‌شان به یکدیگر، به سوی هم کشیده می‌شوند. سکونتگاه‌ها در سراسر جهان از آبادی‌ها، دهکده‌ها و شهرک‌ها تا شهرها و کلان‌شهرها، جمعیت‌هایی با تنوع فزاینده را در خود جای می‌دهند. این بهم وابستگی فزاینده و تعامل در حال افزایش در بین مردمان متنوع، چالش‌های بنیادینی بر سر راه روش‌های قدیمی تفکر و عمل قرار می‌دهد. اینکه ما به عنوان افراد و جوامع چگونه به این چالش‌ها پاسخ می‌دهیم، تا حد زیادی تعیین‌کننده این است که آیا جوامعی حمایت‌گر، منسجم و مترقی خواهیم داشت یا جوامعی غیردوستانه، سراسر تفرقه و ناپایدار.

وحدت در کثرت هم‌بینشی برای آینده است و هم اصلی است که باید هدایت‌کننده جامعه جهانی در پاسخگویی به این چالش‌ها باشد. برای آنکه جوامع محلی و ملی به رفاه و تاب‌آوری دست یابند، نه تنها این اصل باید ارتباطات بین ملت‌های جهان را جانی دوباره بخشد بلکه باید درون جوامع محلی و ملی نیز به کار گرفته شود. اثرات وحدت‌بخش و سودمند بکارگیری این اصل در طراحی مجدد و توسعه جوامع در تمام جهان، بی‌حد و حصر خواهد بود، درحالی که عواقب ناکامی در پاسخگویی مناسب به چالش‌های دنیایی که بیش از پیش به سوی ادغام شدن پیش می‌رود، بی‌تردید فاجعه‌آمیز خواهد بود.

نمونه‌های بالا به پایین توسعه جامعه، دیگر نمی‌توانند پاسخگوی احتیاجات و خواست‌های دوران مدرن باشند. جامعه جهانی باید به سمت نظام‌های حکمروایی مشارکتی، دانش - بنیان و ارزش - محور حرکت نماید، نظام‌هایی که در آن‌ها مردم بتوانند مسئولیت فرایندها و موسساتی که زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهند به عهده گیرند. این نظام‌ها لازم است در روحیه و روش دموکراتیک باشند و باید در تمامی سطوح اجتماع جهان از جمله سطح بین‌المللی پدیدار گردند. مشورت که جلوه عملی عدالت در امور انسانی است باید شیوه اصلی تصمیم‌گیری آن‌ها شود.

طبعاً روش‌های قدیمی اعمال قدرت و مرجعیت باید جای خود را به شکل‌های جدید رهبری دهند. لازم است برداشت ما از مفهوم رهبری از نو تعریف شود تا متضمن توانایی پرورش تصمیم‌گیری جمعی و اقدام جمعی شود. در این حالت، رهبری متعالی‌ترین نمود خود را در خدمت به کل جامعه پیدا خواهد کرد.

در نهایت، جوامعی که بر پایه این اصول بنا شده‌اند در هزاره جدید رشد خواهند کرد، به رفاه خواهند رسید و ستون‌های یک تمدن جهانی را تشکیل خواهند داد، تمدنی که نتیجه منطقی تلاش‌های جامعه‌سازی در گستره وسیعی از زمان و مکان خواهد بود. بیان حضرت بهاء‌الله که «جمیع برای اصلاح عالم خلق شده‌اند» حاکی از آن است که هر فرد هم حق و هم مسئولیت مشارکت در این مشروع جمعی خطیر و پردامنه را دارد، مشروعی که هدف آن چیزی جز صلح، رفاه و وحدت تمام خانواده بشری نیست.

آقای رئیس و نمایندگان برجسته، این موارد و سایر موضوعات مرتبط به جوامع پایدار در مقالات مفهومی مختلفی که جامعه جهانی بهائی تهیه کرده است بیشتر بسط داده شده‌اند. تعدادی از این مقالات در این کنفرانس و در مجمع سازمان‌های غیردولتی در دسترس هستند. از شما دعوت می‌کنیم که نسخه‌ای از این اسناد را تهیه کرده و توجه جدی به محتوای آن‌ها مبذول دارید.

با تشکر